

سابقه تاریخی فعالیت و نفوذ سازمانهای فراماسونری در ایران معاصر

۸ اردیبهشت ۱۳۹۵ ساعت ۸:۳۷

استعمار غرب با گسترش فراماسونری و به عضویت درآوردن مسئولین مهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای جهان سوم در طراحی برنامه ریزهای کلان این کشورها نفوذ کرده و به گونه ای عمل می نمود که این برنامه ریزیها در راستای اهداف سرمایه داری جهانی و نظم نوین جهانی قرار گیرد و در نتیجه روز به روز فاصله این کشورها با کشورهای صنعتی بیشتر شود.

جوان و تاریخ- مقالات

الف) مقدمه

روابط ایران با تمدن غرب آثار و پیامدهای متفاوتی دربرداشته است. یکی از مهمترین این آثار، شروع رفت و آمد ایرانیان به اروپا است که به صورتهای مختلفی مانند تجارت، توریسم و مهم تر از همه اعزام دانشجو انجام گرفت. در این میان تجدد اروپایی جذاب ترین پدیده ای بود که دانش اموختگان ایرانی در فرنگ را تحت تاثیر قرار داد و آنان را شیفته خود ساخت. بسیاری از این شیفتگان تمدن غرب، در طول زمان در اروپا جذب سازمان فراماسونری شدند و به هنگام بازگشت به کشور مدارج ترقی و پیشرفت را در سایه عضویت در این سازمان طی نمودند. از طرف دیگر منافع دولتهای غربی در ایران توسط این عده حفظ و تامین می شد و غالبا این افراد در راس مناصب سیاسی و فرهنگی کشور قرار داشتند و ازاینرو نهادها و کانونهای فرهنگی مرکز ثقل توجه و نفوذ فراماسونها بود. استعمار غرب با گسترش فراماسونری و به عضویت درآوردن مسئولین مهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای جهان سوم در طراحی برنامه ریزهای کلان این کشورها نفوذ کرده و به گونه ای عمل می نمود که این برنامه ریزیها در راستای اهداف سرمایه داری جهانی و نظم نوین جهانی قرار گیرد و در نتیجه روز به روز فاصله این کشورها با کشورهای صنعتی بیشتر شود. درواقع مدیران ایرانی عضو سازمان فراماسونری ابتدا به ساکن می بایست به اهداف این سازمان فکر کنند و سپس اگر فراغتی حاصل شد به فکر منافع ملت ایران نیز باشند.^[۱] در این نوشتار صرف نظر از ماهیت این سازمان مخوف و اهداف و کارکردهای آن در جامعه ایران، به دنبال واکاوی چگونگی ورود و نفوذ سازمان فراماسونری در ایران می باشیم.



ب) سابقه تاریخی پیدایش سازمانهای فراماسونری

درباره پیدایش فراماسونری نظرات و دیدگاههای مختلفی ارائه شده است. بعضی از فراماسونرها قدمت شیوه خود را به حضرت آدم (ع) می‌رسانند و تمامی پیامبران را ماسون می‌شمردند.^[۲] و گروهی دیگر نیز دوران حضرت سلیمان را زمان پیدایش فراماسونری می‌دانند. اما بیشتر صاحب نظران ضمن رد اینگونه افسانه پردازیها معتقدند که نخستین فرقه فراماسونری در بین صاحبان فن معماری به وجود آمد و دوره احداث ساختمانهای بزرگ از جمله کلیساها و کاخها یعنی فاصله بین سالهای ۹۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی را دوران رشد این گونه اجتماعات می‌دانند.^[۳]

از بررسی آرای بدست آمده می‌توان نتیجه گرفت که صنعت معماری بستر رشد فراماسونری بوده است. این صنعت در قرون وسطی نسبت به سایر صنایع ارزش بالایی داشت و معماران به منظور بهره برداری از توجه قدرتمندان به صنعت مزبور سعی داشتند از گسترش بی رویه صنف خود جلوگیری نمایند. آنها اسرار و فنون معماری را از دیگران پنهان می‌نمودند. با گسترش مسیحیت و تسلط کلیسای کاتولیک این افراد به ساختن کلیسا پرداختند و برای این منظور به سراسر اروپا سفر کردند که این امر نه تنها موجب افزایش اعتبار آنها شد؛ بلکه موجبات گسترش این صنف را نیز فراهم نمود. فراماسونرها قبل از آغاز کار در اماکن مختلف منازلی موقتی به نام «لژ» برای خود می‌ساختند و در آن منازل به تبدل نظر می‌پرداختند. از آن پس آنها همین نام را برای محل برگزاری جلسات خود برگزیدند. با گذشت زمان گروههای دیگری از جمله نویسندگان، سیاستمداران و هنرمندان وارد سازمان فراماسونری شدند و از قرن ۱۷ به بعد لژ فراماسونری محلی برای بحثهای عقیدتی، سیاسی، هنری، ادبی و اجتماعی شد.^[۴] به روز زمان که تشکیلات فراماسونری ساختارمند و نظام مند شدند؛ در تمامی جریانات سیاسی اروپا دخالت داشتند و در تحولات کشورهای مختلف از جمله انگلستان، فرانسه و حتی امریکا نیز نقش بسزایی ایفاء نمودند.

ج) فراماسونها و توسعه نفوذ در خاورمیانه و ایران

از ابتدای سال ۱۷۳۰ فراماسونری از اروپا وارد قاره کهن شد و اولین لژ به فرمان دولت انگلستان در کلکته هندوستان ایجاد شد و سپس شعبات مختلف آن در ایران، مصر و ترکیه نیز دایر شد. در این دوره ما شاهد رقابت بین سازمانهای فراماسونری فرانسوی و انگلیسی جهت توسعه نفوذ خود در خاورمیانه هستیم. یکی از بزرگترین تاثیرات آنها نقش این سازمانها در فروپاشی امپراطوری عثمانی بود.^[۱۵]

اقدامات سازمانهای فراماسونری در ایران با سفر غیر رسمی «سرهارد فورد جونز» در سال ۱۸۰۴ به ایران آغاز شد. او در سال ۱۸۰۸ به طور رسمی نماینده دولت انگلیس در ایران شد و بعد از او «جیمز موریه» و فریزر «مبلغان لژهای فراماسونری انگلستان بودند که برای تاسیس فراماسونری در ایران تلاش کردند ولی فعالیت آنها رسمی نبود.^[۱۶]

در سال ۱۸۰۸ میلادی عسگرخان افشار نماینده فتحعلی شاه که برای جلب همکاری ناپلئون به فرانسه سفر کرده بود به یکی از لژهای وابسته به انگلستان پیوست و در مدت کوتاه و به شکل بی سابقه ای به درجه استادی رسید.^[۱۷] دومین فراماسونر ایرانی «میرزا ابوالحسن خان ایلچی» وزیر خارجه فتحعلی شاه قاجار بود که به مدت ۳۵ سال از انگلستان مقررری دریافت می نمود. او توسط «سرگور اوزلی» وارد لژ فراماسونری شد و به سمت ریاست فراماسونری ایران تعیین گردید. او با امضای قرارداد مفصلی با انگلستان، ایران را به طور غیر مستقیم مستعمره آن کشور نمود و نیز با همکاری «اوزلی» که واسطه ایران و روسیه در جریان جنگهای چندساله ایران - روسیه شده بود؛ با امضای قرارداد ۱۷ شهر قفقاز را از ایران جدا نمود.^[۱۸] «اوزلی» اصرار زیادی به وارد کردن درباریان ایران در جرگه این سازمان را داشت؛ تا با نفوذ در سازمانهای کشور، هسته های اولیه تشکیلات فراماسونری را ایجاد نماید.

در سال ۱۸۱۵ «میرزا صالح شیرازی» دانشجوی اعزای به اروپا توسط «سرگور اوزلی» به لژ فراماسونری پیوست و بعدها واسطه مذاکرات محرمانه خانواده سلطنتی قاجار و انگلیس بود و طرفین به وی اعتماد کامل داشتند.^[۱۹] «ابوطالب» پسر «میرزا مهدی کاشی» یکی دیگر از پیشگامان فراماسونری در ایران بود. او در ال ۱۸۵۷ برای انجام ماموریتی سیاسی به فرانسه رفت ولی در همان ابتدای ورود با همه همراهانش که یکی از آنها «میرزا ملکم خان» بود به عضویت «لژ گرند اوریان» فرانسه درآمد. در اثبات وابستگی ملکم خان به اهداف فراماسونری همین بس که وی واسطه انعقاد پیمان پاریس در سال ۱۸۵۷ با انگلیس بود که به موجب آن افغانستان به انگلیس واگذار شد.^[۲۰]

در سال ۱۸۶۳ و در عهد ناصرالدین شاه قاجار نیز «میرزا فتحعلی آخوندزاده» که داری افکار سکولاریستی بود معتقد بود که تنها راه رهایی ایرانیان از قید استبداد ایجاد انجمنهای سری فراماسونری و آموختن دانش آنهاست. او در نوشته های خود زمینه تعصب دینی و ملی را به شدت تضعیف می نمود و تز «پروتستانیزم اسلامی» را مطرح می کرد و تلاش می کرد اسلام را با

اومانيسم فراماسونری منطق سازد. [۱۱] «میرزا یوسف خان مستشارالدوله» صاحب کتاب «یک کلمه» و «میرزاخان قمی» ملقب به مشاورالممالک؛ از دیگر فعالان فراماسونری عهد ناصری میتوان برشمرد. [۱۲]

در سال ۱۸۹۹ مدرسه سیاسی در تهران تاسیس شد تا فراماسونها شاگردانی را تربیت کنند تا آینده ایران را به دست گیرند. «شاپور جی» که فراماسونر بود و از مکله انگلیس لقب «سر» را دریافت نموده بود در انتخاب شاگردان این مدرسه نقش و تاثیر اصلی را داشت. در سال ۱۹۰۷ میلادی لژ «بیداری ایرانیان» تشکیل شد. رئیس این لژ دکتر «رل: فرانسوی بود. مداخلات این لژ در امور مربوط به نهضت مشروطه به اوج خود رسید؛ به طوری که یکی از اعضای آن به نام شیخ ابراهیم زنجانی رئیس دادگاه فاتحان تهران شد. پس از پیروزی مشروطه خواهان بر محمدعلی شاه قاجار، اداره امور کشور به دست کسانی افتاد که اکثراً از اعضای لژ بیداری بودند و درواقع تصمیم گیری درباره امور کشور در لژ بیداری صورت می گرفت. لژ بیداری ایرانیان با کمک «اردشیر جی» مشاور مخصوص سفارت انگلیس، احمدشاه را از سلطنت برکنار و زمینه را برای روی کارآمدن سلطنت پهلوی فراهم نمود. از اعضای مهم این لژ در این دوره را میتوان «ذکاء الملک فروغی» و «سید حسن تقی زاده» نام برد. سید حسن تقی زاده کسی بود که در ماجرای نمایشی پاره نمودن قرارداد داری توسط رضاخان و تمدید آن به مدت سی سال آینده (قرارداد نفتی ۱۹۳۳)، نقش اساسی داشت. [۱۳]

لژی بیداری در دوره رضا شاه نیز به فعالیت خود ادامه داد و اعضای آن در تحکیم مبانی ضد دینی حکومت پهلوی و مسلک میهن پرستی افراطی آن نقش اساسی ایفاء نمودند. البته در سال ۱۳۱۹ و در پی کشته شدن «ارباب کیخسرو شاهرخ» دبیر این لژ، این سازمان به فعالیت رسمی خود خاتمه داد. [۱۴] در جریان اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ توسط متفقین و به سلطنت رسیدن محمدرضاشاه پهلوی نیز دوباره دست فراماسونری از آستین فروغی بیرون آمد و ماسونها توانستند با تحکیم دوباره سلطنت پهلوی به نفوذ خود در ایران ادامه دهند لذا و در این دوره با شاهد این هستیم که ایران به حیات خلوت فعالیت سازمانهی ماسونی تبدیل شده بود و شعبات مختلفی از سازمانهای فراماسونر انگلیسی، فرانسوی و امریکایی که مهم ترین آنها «کلوب روتاری» و باشگاههای «لاینز» بود؛ در دهه ۱۳۳۰ در ایران تاسیس شد. در نوشتارهای بعدی ابعاد مختلفی از فعالیت این سازمانهای فراماسونی در ایران را آشکار خواهیم نمود.

پی نوشتها:

[۱] محمدحسن طباطبایی (۱۳۸۰)، «نفوذ فراماسونری در مدیریت نهادهای فرهنگی ایران»، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب

[۲] اسماعیل رائین (۱۳۵۴)، «فراموشخانه و فراماسونری»، جلد دوم، ص ۴۵۶

[۳] موسی حقانی (۱۳۷۶)، «تاریخ معاصر ایران»، تهران: انتشارات اطلاعات، ص ۵۸

[۴] محمدحسن طباطبایی، همان، ص ۱۷

[۵] مصطفی کمال پاشا معروف به آتاتورک یکی از اعضای فعال سازمانهای فراماسونری بود؛ که علیه امپراطوری عثمانی مبارزه می نمودند.

[۶] ابراهیم صادقی نیا (۱۳۷۷)، «جمعیت‌های سری در ایران»، تهران: نشر هیرمند، ص ۱۷

[۷] اسماعیل رائین، همان، ص ۳۱۲

[۸] محمدحسن طباطبایی، همان، ص ۲۹

[۹] همان، ص ۳۲

[۱۰] همان، ص ۳۰

[۱۱] محمد رجبی (۱۳۶۵)، «سیر تفکر در قرون جدید»، تهران: نشر و چاپ، ص ۷۲

[۱۲] محمدحسن طباطبایی، همان، ص ۳۱

[۱۳] ابراهیم صادقی نیا، همان، ص ۲۷

[۱۴] موسی حقانی، همان، ص ۲۲

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۰۵۰/معاصر-ایران-فراماسونری-سازمانهای-نفوذ-فعالیت-تاریخ-سابقه/>